

بررسی و تطبیق مضامین اجتماعی در ادبیات
حافظ ابراهیم و ایرج میرزا

تهیه و نگارش

م.م. مکی خالد عبد الرزاق

دانشگاه بغداد دانشکدهٔ زبان گروه زبان و ادبیات فارسی

Makki.aliraqi@gmail.com:

Makki Khalid Abdul razzaq
University Baghdad\colleg of langugs
Department of Persian language

شاعر ایرج میرزا و شاعر حافظ ابراهیم من اشهر الشعراء المعاصرين في ايران ومصر . كتاباتهم الى مشاكل اجتماعية وادبية مختلفة تخلل شعرهم , حب الوطن, التعليم , حقوق النساء والاطفال, الشعراء يتفقان في معظم المضامين كون انتاجهم الادبي, وصف لحال المجتمع في ايران ومصر ابان تلك الفترة.

فارسی:

دو شاعر، ایرج میرزا و حافظ ابراهیم ، از مشهورترین شاعران معاصر ایران و مصر به شمار می روند. شعر این دو شاعر به بسیاری از دشواریهای اجتماعی و ادبی، از قبیل میهن دوستی، آموزش، حقوق زنان و کودکان پرداخته اند. دو شاعر در بسیار باز مضامین شعری مشابه داشتند، چون بیشتر آثارشان در آن زمان، وضعیت جامعه دو کشور ایران و مصر را توصیف می کرد

بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در ادبیات ابراهیم حافظ و ایرج میرزا
دراسة و تطبیق المضامين الاجتماعية في ادب حافظ ابراهیم و ایرج میرزا

Abstract

Poet Iraj Mirza and poet Hafiz Ibrahim one of the most famous contemporary poets in Iran and Egypt where their writing touched on problems social and literary. love the Country, Education, Rights of women and Children, the two poets agree because their literary production, Description the latest in Iran and Egypt in the period

چکیده

شاعران و نویسندگان در هر دوره ای متأثر از محیط سیاسی - اجتماعی خویش هستند و این تأثیر در آثار و نوشته هایشان نمود می یابد .. از عدالت و برابری برخوردارند و زبان به بیان عشق خود به وطن، زن، آزادی و ... گشوده اند و از ظلم و ستم ها، بی عدالتی ها و ... شکایت کرده اند ... از جمله این شاعران می توان ابراهیم حافظ را نام برد که در سال ۱۸۷۲ م (در سفینه کنار نیل در مصر متولد شد و به خاطر ترس از فقر و تحت تأثیر اوضاع سیاسی - اجتماعی. و ایرج میرزا از نوادگان فتحعلیشاه قاجار بود. ولادتش سال ۱۲۹۱ هجری = ۱۸۷۴ میلادی، که از جمله شاعران بسادگی و اشتغال بر مفردات و تعبیرات عامیانه مشهور است. (کنج سخن، ۲۶۲). او زندگی خود را به ناچار دور از زادگاه و در تهران سپری کرد.

ابراهیم و میرزا هر شاعر دیگری متأثر از محیط و اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان خویش بوده اند و مسائل سیاسی - اجتماعی و وضوح در آثارشان نمود پیدا کرده است از جمله این مضامین می توان به طبیعت، آزادی، انسان گرایی و جامعه آرمانیسیاست و ... اشاره کرد. اینالبحث کوشش تطبیقی است در بررسی مضامین اجتماعی از دیدگاه دو شاعر معاصر عرب زبان ابراهیم حافظ و شاعر فارسی زبان، ایرج میرزا حافظ و میرزا به خوبی توانسته اند مضامین مانند وطن طبیعت، آزادیسیاست و ظلم ستیزی و ... را به تصویر بکشند از طبیعت زنده و پویای مصر و یوشسخن بگویند و بایاد وطن آرام گیرند و باطامعین و ظالمان مبارزه کنند و مرگ در راه آزادی را برتر زندگی بدانند.

روش پژوهش بر اساس مکتب تطبیقی. در این البحث، تفاوت و شباهت فکری این دو شاعر و نقاش در رابطه با مضامین اجتماعی موجود در عصر شان به تصویر کشیده می شود.

واژه های کلیدی: مضامین اجتماعی، زنان، مادر، حجاب زنان، کودکان، آزادی.

مقدمه

ادبیات معاصر فارسی و عرب به امری چون علم، نقد مفاسد اجتماعی، حمایت از طبقه محروم، عشق به آزادی، آزادی بیواندیشه در امور میمانند حقیقت بر داشته است.

محمد حافظ ابراهیم محافظه اسبوط ۲۴ فبرایر ۱۸۷۲-۲۱ یونیو ۱۹۳۲ م در محیط سرشار از فقر و خفقان سیاسی اجتماعی در مصر بزرگ شد. او به دلیل ندانی شدن پدرش و فرار از فقر مجبور مهاجرت با مادر به قاهره شد. در آنجا هم در ظلمت و تیرگی سر می برد و نتوانست از چنگال فقر و ظلم و ... رها بیاید او از اوضاع نابه سامان موجود شاکي بود خود را در چنگال ظلم و ستم و فقر و فاصله طبقاتی اسیر میدید و برای فرار از چنین اوضاعی دائم تلاش میکرد.

این اوضاع سیاسی - اجتماعی در سروده های او مشهود است و سخن از فقر، آزادی، مبارزه با ظلم و ... همچنان در آرزوی فرار از آن محیط است.

-- ایرج میرزا یکدیگر از شعرای بسیار توانای این دوره شاهزاده های ایرج میرزا، جلال الممالک است. ایرج بسر غلا میرزا صدر الشعر (، بسر ملک ایرج میرزا انصاف، بسر فتحعلی شاه قاجار، در اوایل رمضان سال ۱۲۹۱ ه ق در تبریز به دنیا آمد (ارین بور، یحیی ۱۳۵۰، ۳۸۳) اوضاع اجتماعی ایرج هم در آن سال ها از خفقان و ظلم و بیعدالتی پدید آمد.

ایرج طبع شعر را از آنها به ارث برد، لیکن در این فن بر آنها و صدها شاعر زمان خود برتر یافت. شعرای سیاسی است و اشعار زیادی را در رابطه با فقر، بیعدالتی، تبعیض و ظلم ستیزی و ... در اشعارش به چشم می خورد. در این البحث سعی بر آن البحث سعی بر آن است تا به این پرسش ها پاسخ داده شود:

۱. مضامین اجتماعی موجود در اشعار میرزا و حافظ کدام هستند.

۲. آیا اشتراکاتی در مضامین اشعارشان وجود دارد.

۳. تاکید هر شاعر بیشتر بر کدام مضامین بوده است.

۴. کیفیت و کمیت پرداختن به این مضامین چگونه است.

زندگی حافظ ابراهیم:

محمد حافظ ابراهیم، شاعر مصری مشهور، از بروز شاعران عرب معاصر، و از بزرگ مدرسه (زنده کردن و معاد شعریه) که متعلق به آن شاعران مانند امیر شاعران، احمد شوقی، محمود سامی البارودی، تقدیر چنین بود که ملقب شاعر نیل.

تولد ((محمد حافظ ابراهیم فهمی المهندس)) حافظ ابراهیم مشهور سال ۱۸۷۲ ده دیرو استان اسبوط از پدر مصری و مادر ترک، او کودک در گذشت پدرش به همراهی اش به قاهره، کفالت دایی او فقیر بود کار مهندس (ابراهیم حافظ: ۱۹۳۷)

دو سال بعد . دایمی حافظ او را در مدرسه خیره ثبت نام کرد تا خواندن و نوشتن و حساب بیاموزد . پس از آن به مدرسه ابتدایی "قریه" و سپس به

وی در اشعار اجتماعی خویش متأثر از شیخ محمد عبده بود. این تأثیرات در زمینه هاسیاست، تربیت و تعلیم و دفاع از زن و حقوق و خودنمائی کند. در زمینه سیاست، (ضیف، ۱۰۲)

زندگی ایرج میرزا
ایرج میرزا، جلال‌الممالک، شاعر معاصر (۱۳۴۴- ۱۲۹۱ ه. م) در تبریز به دنیا پدرش غلامحسین میرزا از نوادگان فتحعلشاه قاجار بود. (کنج سخن، ۲۶۲) پدر بزرگش ملک‌ایرج میرزا و جد اکبرش فتحعلشاه همگشاعر بودند (نادرپور، ۳۵۲، ۱۳۵۲) چون به سن رشد و تمیز رسید پدر در تربیت و بیکوشید و معلمی بر وی بکام داشت تا باری را بیاموزد . نگاه به مدرسه دار الفنون تبریز جهت تعلیم زبان فرانسه رفته و در خارج نیز در حوزه ای که اشتیاقی ها برای تحصیل و تکمیل منطق و معانی و بیان ترتیب داده بودند حضور به هم رسانید و چون سال عمرش به چهارده رسید امیر نظام حسن علی خان کروی چون در وی استعداد و حسن قریحه و ذکاوت بدید وی را با بسر شکه نزد مرحوم میرزا عارف تحصیل ادبیات و نزد موسیو لامبرفرانسوی تحصیل زبان فرانسوی و علوم میگرد . هم درس کرد و در همان اوان شعر نیکومی گفت و خط تحریر و نسخ و تعلیق را نیز فرا گرفت و نیکو منوشت و در اخونیا دستنویسها داشت. (حائری، ۱۳۶۶، ۳۷)
اشعار ایرج میرزا از بهتر بنشاهکار هانادبیات معاصر ایراناست. اطلاعاتی راجز ادبیات مختلفه و جبهه‌دار و شوق‌دیم را رها کند و خود شیوه های خاص به وجود بیورد، زبان و بیان او از حیث نرمی و روانی از ابیات او مانند ضرب المثل مغروف شده اند (یوسفی، ۳۵۸، ۱۳۶۹)
در این (جستجو) با توجه به اینکه ابراهیم حافظ و ایرج میرزا از شاعران رمانتیک و سمبولیک هستند، سعیدار می مضامین اجتماعی مانند وطن، زن، آزادی طبیعت، انسان و جامعه آرمانی، سیاست و ... را در آثارشان به تصور بکشیم.

مضامین اجتماعی در ادبیات حافظ و میرزا

۱. وطن از نگاه حافظ

یکی از مواردیکه هر دو شاعر به آن پرداخته‌اند، وطن دوستی و اشتیاق به وطن است.

الف - ابراهیم به مصر افتخار میکند

(عن مصر وقف الخلق ينظرون جميعا كيف ابني قواعد المجد وحدي

وبناة الاهرام في سالف الدهر كفوني الكلام عند التحدي) و دوباره این افتخار را تکرار میکند: لی وطن أعتز بمحسانه (حافظ، ۲۰۱۲، ۱۴۹)
و در جای دیگر عشق خود را تکرار میکند: به خاطر علاقه‌ای که به سرزمین خود دارم، زادگاهم را دوست دارم و با عشقیکه به میهن خود می ورزم سرزمینم را دوست دارم:

(کم ذا یکابد عاشق ویلاقی فی حب مصر کثیرة العشاق انی لاحمل فی هواک صبابة یا مصر قد خرجت عن الاطواق) (قصیده وطنی:). (همان: دیوان حافظ)

مصر برای او حالت نمادین دارد و میگوید:

اشرق فدنک مشارق الاصبح وأمط لثامک عن نهار ضاحی

بورکت یا یوم الخلاص ولا ونت عنک السعود بغدوة ورواح

(عید الاستقلال، نشرت فی ۱۵ مارس ۱۹۲۳، تحت عنوان بین الیقضة و المنام)

عن شوون مصر (نشرت فی ۹ مارس سنة ۱۹۳۲ م)

قد مر عام یاسعاد و عام وابن الکنانة فی حماه یضام

سبو البلاء علی العباد فنصفهم یجبی البلاد ونصفهم حکام (دیوان حافظ) (۱۲)

(وطن از نگاه ایرج)

وطن دوستی نام دارد، که بیانگر علاقه ایرج میرزا به کشورش است.

ما که اطفال این دبستانیم همه از خاک باک ایرانیم

همه با هم برادر و وطنیم مهربان همجو جسم با جانیم

اشرف و انجب تمام ملل یادکار قدیم دورانیم

وطن ما به جای مادر ماست ما گروه وطن پرستانیم

شکر داریم کز طفولیت درس حب وطن همی خوانیم

جون که حب وطن ز ایمانست ما یقینا ز اهل ایمانیم

کر رسد دشمنی برای وطن جان و دل رایگان بیفشانیم (کنجینه ذوق و هنر ایرج میرزا تهران، ۱۳۷۰، ص ۶۱)

طهران فصلی تابستان کشته همجون بهار جان بسرو

ابو بر سبزه بنداری ریسخت هو با مداد کواهر سر

یاد کوس به مغز بیارد عمه از باخ نکبت عنبر

سرخ کل بین که سر بدون جون عروس از مردین جادر کرد

دوش در باغ لیل و قمری داشمنند این توای جان برور (دیوان ۱۹ ص)

زن از نگاه حافظ و ایرج

آزادی یکی از نعمت هایی است که انسان ها بر ابرسیدنیبه آن جان خود را فدا کرده‌اند و در هر عصر و دوره ای با ارزش و گرانمایه بوده است. حافظ یکمتفکر و ادیب است در چنین فضایی شاعرانی که فریاد استقلال خواهان آزادی ملت خویش را در قالب شعر و شاعری مورد توجه به واقع خلق آثار ادبی پرداخته اند که در اصطلاح بدان و طنیات گفته می شود حافظ از جمله شعران مصری است که در کنار شاعران همچون احمد شوقی بذاری ملت خویش را در مقابل اهداف شوم استعمار کران مورد رد توجه قرار داد. او با الهام گرفتن از افکار و اندیشه‌ها از ادبخواهای نظیر سید جمال الدین احمد ابادی، محمد عبده و مصطفی کامل، نه تنها مصر که تمام جوامع عرب را به

هوشیار و مقاومت برابر استعمار کران دعوت کرد و برابری بر آنان . مرد مرا به وحدت و یکپارگی . تهذیب اخلاق و گسترش زمینه ها علم و فرهنگ و سایر کار ها عمر انفرآخوند . استقلال و سر بلندی و عزت مصر یکانه ارز و نقلی او بود . (ابراهیم حافظ . ۱۹۳۷ م ، ۳۳) حافظ و آزادی زنان

با ورود تمدن عرب به شرق میزان آگاهی مردم نیز بالا رفت . ظهور مصطلحان آزادی را در خانواده به ارمغان آورد بطرس بستانی اولین کسی است که بر لزوم تعلیم و تربیت زن تاکید نمود . بس از او رفاعة طهطاویبای هم صدا شد و از اولین مدرسه دخترانه که در عهد اسماعیل باشا تاسیس شد حمایت کرد . (البقاعی: شفیق، ۱۹۹۰م، ۸۹) کم کم ادبیات و شاعران این دعوت را در ادبیات انعکاس دادند و دعوت بران آزادی زن از زبان هر مصلحی به گونه ای تعبیر کردیدمانه این موضوع جنجالبرانگیز به منابر کشیده شد و بحث زن و دفاع از حقوق خانواده صفحات کتابها و مطبوعات را به اختصاص داد ترتیب دنیا جدیدی روبه روی زن گشود هشد . در همین زمان مساله حجاب و کشف حجاب نیز مطرح گردید . (حسین دسوقی ، ۱۵۹)

این ریت رایا فی الحجاب و لم تعصم فتلك مراتب الرسل
الحکم للایام مرجع هفیمما رأیت فَنَم و لا تسل
و کذا طهاة الرأی تترک هلد ه رینضجه علی مهل
فاذا أصبت فَأُنت خیر فتبوضع الدواء مواضیع العلل (همان حافظ، ۳۸۹)
در بیت اخیر رای و عقیده صاحب نظران به غذایی تشبیه شده اشبز ها ا نمی . هما نظور که اشبز برانجا افتادن إذا زیر شعله کار را کم می کند تا إذا کم کمجاتا فندرای و عقیده نیز نیاز مند زمان است تا به مرور در زمان جای خود .
علم اموزی مراکز علمی

حافظ لذت زندگی را در دانشا موختمداند و جهل و نادانی را رنجو خسرانی عظیم مشمارد:
والعلم ان لم تکتفنه شمائل تعلیه کان مطیة الاخفاق
لا تحسین العلم ینفع وحده مالم یتوج ربه بخلاق
کم عالم مد العلوم حبانلا لوقیعه و قطیعه و فراق
(همان: حافظ ۲۲۹)

علم ودانش در فقر و نهیدستی جون ابر خیر و برکت بران زندگی لطیف و رحمت به ارمغانمارو داما جهل و نادانی در عین کشایش و توانکی جون نازیانه غذایی رن جاور و طاقت فرساست:
ربو البنات علی الفضیله انها فی الموقفین لهن خیر وثاق
(همان: دیوان ۱۵۰ ص)

دفاع عن حقوق و حرية المراء

در بیت شخصیت و زینت زنان دیگر مرد مربوط به جنس زن و توصیف لباس های زنان
کلا و لا أدعوکم أن تُسرفوا فی الحجبِ والتضییق والإرهاق
لیست نساؤکم حُلّی و جواهرأ خَوف الضیاع تُصان فی الأحقاق
لیست نساؤکم أُناتاً یُقنتی فی الدور بین مخادع و طباق (دیوان حافظ، ۲۸۲)
در زندگی حافظ زن نقش مهمی را ایفا میکنند: مادر حافظ - کامله ...

ایرج و آزادی زنان

چنانکه دیدم . از همان آغاز مشروطیت وضع زنان ایران همیشه مورد توجه و اعتراض روشنفکران ایران بود . و در این کوششها شعر او نویسندهکان در صف اول قرار داشتند . بعد از جنگ بین الملل اول و نتایج مهمی که به بار آورد . مسئله زن در ادبیات ایران انعکاس وسیعی یافت ، و بایشرفت و تحول در شئون اجتماعی . اصلاح وضع زنان جز و مسائل جدی قرار گرفت (۹)

یحیی ارین بور می کوفتید : در ان سالهای شعر و نویسندگان بنام ایران هر یک مقداری از انار خود را به موضوع تربیت و آزادی زنان و تساوی حقوق آنان در خانواده و جامعه اختصاص دادند ، طوری که می توان گفت . در این اوقات . هیچ شاعر و نویسنده ای نیست که کما بیش به این مطلب نیر داخته باشد . لاهوتی . ایرج . عشقی . بروین . کمالی . بهار . شهریار و دیگران هر یک اشعار زیبای فراوانی به مسئله زن وقف و همگی با موهومات و خرافات و تعصباتی که بر دوش زنان سنگینی می کرد مبارزه و جهاد نموده اند . ایرج بیش از هر کسی حق زنان را ادا کرده است . قطعه مادر و ابیات زیادی از مثنوی عارفنامه و چندین غزل و قطعه و مثنوی او همه کلهای زیبای هستند که شاعر به بای بیکره آزادی و رهایی دختران ایران نثار کرده است . یحیی ارین بور: از نیما تا روزگار . (ص ۱۰)

در اقطار دکر زن یار مرد است در این محنت سرا سر یار مردست
به هر جا زن بود هم بیشه یار مرد در اینجا مرد باید جان کند فرد (دیوان ایرج ص ۱۴۲)
الف- مادر در ادبیات حافظ

می گوید تجربه زندگی به نشان داد مردان که ما آن ها را ادیش و متعب مدانیم .

ازک و شید به کوهر انسانی ان ها نزدیک شود ، نه افراط حجاب مکنویند:

الأم مدرسة إذا أعددتها أعددت شعباً طیب الأعراف

الأم روضٌ إن تعهدهُ الحیا بالرّی أوروک أیما ایراق

الأم أستاذ الأستاذة الألی شغلّت متأثرهم مدى الأفاق . (دیوان حافظ، ۱۴۹، ۲۰۱۲)

حافظ قصیده کلیة البنات الامریکیه ، تحصیلاتش جایگاه دانشگاه دخترانها مریکیای

دختران انجا نیز تعریف و تمجید کرد . او خطاب به امریکایها (حافظ ابراهیم ، و اخرون ، ۱۹۸۱ . ۶۶) می گوید:

أي رجال الدنيا الجديدة مدوا لرجال الدنيا القديمة باعا

وافيضو عليهم من اياديكم علوما وحكمه واخترعا

كل يوم لكم روائع اثار توالون بينهم تباعا

ان فينا لولا التخاذل ابطالا اذا ما هم استقلوا اليرعا (همان: دیوان حافظ، ۱۴۰)

- مادر در ادبیات میرزا

نقش مادری به صورت معهودی در سروده‌هاینیمایا مثل (پدر، روز بیست و نهم، از عمارت‌پدرم، پانزده سال گذشت) و یافت می‌شود، او در

سروده (بهایادپدر) از نقش مادری سخن می‌گوید: (مادر)

(کویند مرا جو زاد مادر بستان بدهن گرفتناموخت

شبهها بر کاهواره من بیدارنشست و خفتن اموخت

دستمبکرفت و بابه با برد تا شیوه راه رفتن اموخت

یک حرف و دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد وگفتن اموخت

لبخند نهاد بر لب من بر غنچه کل شکفتناموخت

بس هستی من ز هستی اوست تاهستم وهست دار مش دوست

(کنجیه ذوق و هنر ایرج تدوین سید حائری ۱۳۷۰، ۲۲۵)

قلب مادر

داد معشوقه به عاشق بیغام که کند مادر تو با من جنک

هر کجا بیندم از دور کند جهره برجین و جبین بر از نک

با نگاه غضب آلوده زند بر دل نازک من تیر خدنگ

(همان ص ۲۴۹)

وحاکم در جواب بهفرزندگفت:

پسچه سان کرد تحمل زن زار

تا بهنماه تو را بیگفتار

(دیوان، ۱۲۸)

یادرجایدیگرکه هم اشاره فقر و بدبختی دارد و هم اشاره به نقش مادر چنینمیسراید:

(میفریبیدپسرش را، مادر

مینماییدپدرش را در راه

آی، آمدپدرش

نان از زیر بغل

از برابپسرش)

(همان: ۲۳۸)

(حجاب زنان از نگاه حافظ)

شاعره خواستار انقلاب فرهنگی اصلاح زنان از دیدگاه خواستار حقوق برابر میان زنان و مردان.

یأمة نثرت منظومها الغير حتام صبر ونار الشر تستعر

ماذا تقولون في ضیم براد بكم حتی كأنکم الاوتاد والحجر

(عبدالسلام العشری، ۹۳)

و از روشنفکرانمقرون دعوت خواستارازادپرفرنکدر مصر:سعد زغلول، لطفی السید، ولی الدین یکن، محمد حسنین

هیكل، طه حسین، سلامهموسی، طلعتحرب، مصطفی، فرحانطوان، احمدالزیات، مصطفی، احمدشوقی، حافظ ابراهیم. (طه وادی،

۱۹۹۴، ۳۲)

از دیدگاهحافظ در مورد قضیه الحجاب و حضور زن در جامعه با هر گونه افراط و تفریطی مخالف است. (کیلانی، حسن سند، ۱۹۷۹،

۹۳) رزم مهم می‌شود:

أنا لا أقول دعوا النساء سوا فرابین الرجال یجلن في الأسواق

یدرجن حیث أَرْدن لا من وازع یحذرن رقیته ولا من وای

یفعلن أفعال الرجال لو اهیاعن واجبات نواعس الأحداق

في دورهن شؤونهن کثیرةکشؤون رب السیف والمزراق

(همان: دیوان حافظ، ۱۵۰)

(حجاب زنان از نگاه ایرج)

نقاب دارد و دل رابه جلوه اب کند نعوذ بالله اکر جلوه بی نقاب کند

فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست چرا که چه کند حیل در حجاب کند

جونبست ظاهر قرآن به وفق خواهش او رود به باطن و تفسیر ناصواب کند

از او دلیل نبایدسوال کرد که کرک به هر دلیل که شد بره را مجاب کند

ویقول في موقع اخر:

اگر زن را بیاموزند ناموس زند بی برده بر بام فلک کوس

جوزن تعلیم دید و دانشاموخت روان جان به نور ببیشافروخت
به هیچ افسون ز عصمت برنکردد به دریا کر بیفتد تر نکردد (ایرج میرزا. اتمام، ۱۳۴۱، ۱۴۱)

مضامین اجتماعی در اشعار میرزا و حافظ فقر از نگاه حافظ: حافظ که خود برلمان محنت بار فقر پرورش یافته بود، فقر و تبعات سوء آن جایگاه بزمی را در اشعارش اشغال کرد و تأسیس و راه انداز جمعیت‌های مختلف خبری را، طریقه دیگر برابری سیدی به اوضاع و احوال بلدان جامعه مداند. شاعر در قصیده "ملجأ رعایة الاطفال" موضوع حمایت از کودکان بیسرپرست را مطرح کرده است. او فساد و فحشا را از توابع سوء فقر مشمارد و این حقیقت تل خرا در قالب داستانی جذاب به تصویر می کشد: در وقعت ملت صورت حافظ و جبران مطر: محاوره بین حافظ و مطران فی حفل اقامته رعایة الطفل بالابو (نشرت ۱۹۱۳) حافظ:

هذا الصبي هائم تحت الظلام هيام حائر
ابلی الشقاء جدیده وتقلمت منه الاظافر
وتغوله البؤس وطر ف (رعایة الاطفال) ساهر
کم مثله تحت الدجی اسوان بادی الضر طائر
مطران:

عجبا تعرفنی به وان بهمه افاجر
انسیت (مؤجز الاقتصاد) وفضله ام انت ذاكر
او لم يكن هذا الوزير بذلك التعريب امر
حافظ:

لم انسى ماسالت به من خاطرى تلك المقاطر
مطران:

لم انسى ادلال الكلام وذلتی بین المحابر
(همان: دیوان ص ۱۵۶)

شاعر در مورد فقر مصر صحبت کرد او با آنها زندگی بود عجز آنها را بیان می کند او مخالفت قیمت های بالا مواجه شدن، که منجر به یکنزدکدشوار شد، تمیز کردن کفش به يك چیز خوب تبدیل شده است. و فقراء مجبور شدند روزه بگیرند.

ايها المصلحون ضاق بنا العيش ولم نحسنوا عليه القياما
عزت السلعه الذليله حتى بات مسح الحذاء خطبا جسا ما
وغدا القوت في يد الناس قوت حتى نوى الفقير الصياما (ديوان حافظ)

فقر از نگاه ایرج اینهائی که با اسم وزارات و ریاست هر روز مصدر کار میشوند نمیدانند حبس چیست، کسانی که تمام دقایق عمر آنها در زیر امواج هوی و هوس غرق است. کسانی که زندگانی آنها در اغوش شاهد خوشی و مسرت طی میشود، کسانی که در بارکهای مزین و عاری از خار نکبت زندگانی میکنند، کسانی که

لوازم عیش و طرب را از هر حیث آماده دارند چه میدانند محبس چیست و روح محبوس با چه تلاطم و طوفانی دست بگریبانست. اینها نمیدانند مظلومین چه اثر خونینی در کیتی دارد و اشفتگی يك مادر بپر وقتی بسر خود را حبس میبیند یعنی چه؟

خسرو! كرجه فراموشی در طبع تونست این سخن های دلآویز فراموش مكن
نصب يك حاكم عادل را با سرعت تام به نكه داری تیريز فراموش مكن
حالت فارس که کرديده زتاسيس بلیس اتش فتنه در آن تيز فراموش مكن

امر قزاق که چون امر بلیس است و بود عاقبت مفسدت آمیز فراموش مكن
اسم این هر دو برافکن ز جنوب وز شمال ز آخر کار ببر هیز فراموش مكن
کار نان را که بود فرض و سزد لازم تر از همه کار و همه چیز فراموش مكن

ناله بیوه زنان را ز بی نان یاد آر اه بیبران سحر خیز فراموش مكن
دفع این جمع که بر رشوه خوری مشغولند هر یکی در سر يك ميز فراموش مكن
کر رئیس الوزرا خواهی و اسایش ملك مخبر السلطنه را نیز فراموش مكن (ص ۶۸، ص ۶۹)

المصادر:

- (۱) کنج سخن، جلد سوم. دکتر ذبیح الله صفا. انتشارتدانشگاه تهران جاب دوم ص ۲۶۲
- (۲) ارین بور، یحیی (۱۳۵۰) از صبا تا نیما تهران شرکت سهامی کتاب های جیبی. ص ۳۸۴، ۳۸۳
- (۳) دیوان ابراهیم حافظ. صححه احمد امین. ابراهیم الایاری و احمد الزیات ط ۷. بیروت. دار العوده: ۱۹۳۷
- (۴) ضیف، بشوقی الادب العربي المعاصر في مصر، القاهرة، دار المعارف ط ۷ ص ۱۰۲
- (۵) نادر بور، نادر (۱۳۵۲) (ایرج نام آورناشناخته) مجلة سخن شماره ۲۳، ۱۳۵۲ ص ۳۵۲
- (۶) حائر، سید هادی، (۱۳۶۶) افکار و آثار ایرج میرزا، جاب دوم، تهران، ص ۳۷
- (۷) البقاعی، شفیق، ادب عصر النهضه، ط ۱، بیروت، دار العلم للملین، ۱۹۹۰ م.
- (۸) یوسفی، غلام محیسن. ۱۳۶۹، چشم روشن، تهران، انتشارات علمیه، ص ۳۵۸
- (۹) دیوان حافظ. مؤسسه هنداوی. القاهرة. ۲۰۱۲ ص ۱۴۹
- (۱۰) حافظ ابراهیم، شاعر النیل، عبدالحمید سند الجندي، ۱۹۸۱ م مکتبه الدراسات الادبیه. ص ۶۶
- (۱۱) (باچتة البادیه: عبدالسلام العشری. وزارة التربية والتعليم ص ۹۳)

- (۱۲) دکتور طهوادی: صورة المرأة في الرواية المعاصرة، ط ۴، ۱۹۹۴، دار المعرفة، ص ۳۲
- (۱۳) کیلانی. حسن سند، قضایا، ودراسات في النقد، القاهرة، مطبعة دار الثقافة للطباعة والنشر، ۱۹۷۹م ص ۹۳
- (۱۴) ایرج: کنجیه ذوق و هنر ایرج تدوین سید حائری، ۱۳۷۰ ص ۲۲۵
- (۱۵) ایرج میرزا. اتمام، دکتر محمد جعفر محبوب، تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیکان او، ۱۳۴۱ ص ۱۴۱
- (۱۶) یحیی ارین بور: از نیما تا روزگار، تاریخ ادب فارسمعاصر، جاب چهارم، ۱۳۸۲، کتاب خارج ملی ایران. ص ۱۰
- (۱۷) (تفسیر ابن کثیر، ج ۴. ص ۵۴۴، دار المعارف، بیروت) (صفحة الكترونيه، تاريخ النشر ۲۳/۳/۱۳۹۷هـ) (<http://hawzah.net>).
- (۱۸) ابراهیم حافظ. دیوان حافظ ابراهیم صححه احمد امین. ابراهیم الایباری، احمدالزیات، بیروت دار العوده ۱۹۳۷م ص ۳۳.
- (۱۹) البقاعی: شفیق، ادب عصر النهضة، الطبعها الاولى، بیروت، دار العلم للطباعة، ۱۹۹۰م ص ۸۹.
- (۲۰) الدسوقي، عمر في الادب الحديث، ط ۹، بیروت دار الفكر العربي، ۱۹۷۰، ص ۱۵۹